فرازی از زندگی قاری شهید سیدحمیدرضا معظم

شهادت در آخرین روزهای جنگ

■ غلامحسین بهبودی

چند صباحی است که در صفحه پایداری روزنامه «جوان» به معرفی شهدای قرآنی می‌پردازیم. هم آنان که کلام الهی دل‌هایشان را چنان صیقل داده بود که تنها خدا را در خود انعکاس می‌دادند و این چنین برای نیل به محبوب راه پر فراز و نشیب جهاد را برگزیدند و شهید لقب گرفتند. سیدحمیدرضا معظم یکی دیگر از این شهدای قرآنی است که فرازی از زندگی‌اش را پیش رو دارید.

سیدحمیدرضا سال ۱۳۴۵ در محله مولوی تهران به دنیا آمد. محله‌ای قدیمی و سنتی که به خاطر بافت مذهبی‌اش از مساجد زیادی برخوردار است و حمیدرضا هم در چنین جو و حال و هوایی پرورش یافت. سید رضا پدر حمیدرضا وکیل دادگستری بود و به اعتبار او خانواده معظم در بازارچه سعادت برو بیایی داشتند و جزو خانواده‌های شاخص شناخته می‌شدند. خصوصاً آنکه شهید سیدابوالقاسم معظم یکی از سه برادر بزرگ حمیدرضا، جوانی میاندار در هیئات و تکایا بود که بین جوانان هم سن و سالش از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود.

آن روزها در هر هیئت و مسجدی که ابوالقاسم می‌رفت، تعداد زیادی از جوانان مذهبی همراهی‌اش می‌کردند. حمیدرضا هم به تبعیت از برادر و البته تربیت مذهبی که داشت، از همان دوران کودکی صفت بچه مسجدی را برای خود انتخاب کرد و در فعالیت‌های مذهبی حضور پررنگی داشت. مساجد که همواره سنگری برای انقلابیون به شمار می‌رفتند، در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب پناهگاه امنی برای فعالیت‌های جوانان و نوجوانان محله مولوی به شمار می‌رفتند. در شرایطی که تقویم‌ها روزهای پرالتهاب سال ۵۷ را به نمایش می‌گذاشتند، حمیدرضا ۱۲ ساله حضور برادران بزرگ‌ترش احمد، ابوالقاسم و محمدرضا در فعالیت‌های انقلابی را شاهد بود.

■ جلسات قرآن در مسجد جزایری

مسجد جزایری یکی دیگر از مساجد محله مولوی تهران، در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی محفلی قرآنی را در خود جای داد که بعدها از هسته اولیه این محفل، رزمندگان بسیاری رهسپار جبهه‌های جنگ شدند. استاد محمدحسین سعیدیان قاری شناخته شده محله که از دوستان شهید حمیدرضا معظم بود، محوریت جمع قرآنی مسجد جزایری را بر عهده داشت؛ در این محفل نام‌هایی چون شهید حمیدرضا معظم، شهید محمد مهدی نیرنجی، جانباز و آزاده مرتضی بابکی نژاد و جانباز و آزاده مصطفی محمدی و همچنین رزمنده مهدی سقائیان به چشم می‌خوردند که هر کدام بارها در جبهه‌ها حضور یافتند و ماحصل تربیت قرآنی‌شان القاب شهید و جانباز و رزمنده‌ای است که امروز قبل از اسامی آنها نقش می‌بندد.

این گروه از نوجوانان انقلابی به عشق فراگیری کلام الهی روزهای بسیاری را در مسجد جزایری گرد هم می‌آمدند و حول آموزش‌های استاد محمدحسین سعیدیان تکنیک‌های مختلف قرائت قرآن کریم را فرامی‌گرفتند. با توجه به امکانات محدود آن زمان، گوش دادن به نوارهای قاریان بزرگی چون استاد عبدالباسط و استاد منشاوی موهبتی برای این جوانان مشتاق به شمار می‌رفت تا آموخته‌های خود را از این طریق تقویت کنند.

آزاده مصطفی محمدی به عنوان یکی از بازماندگان هسته اولیه محفل قرآنی مسجد جزایری در این خصوص می‌گوید: محفل ما به واقع نورانی بود؛ چراکه مزین به وجود دو شهید شد و بعدها که بچه‌های بیشتری به ما پیوستند، رزمندگان بیشتری از همین محفل رهسپار جبهه‌های جنگ می‌شدند. حمیدرضا از جمله بچه‌های فعال و پیگیر این گروه بود که درس طلبگی هم می‌خواند و حضور پررنگی در محفل قرآنی داشت. در واقع انس با کلام الهی که سیمای رزمندگان و مؤمنان خدا را به خوبی در قرآن کریم ترسیم می‌کند، عاملی در جهت سوق دادن نهاد پاک جوانان و نوجوانانی مثل شهید حمیدرضا معظم به سوی جبهه‌های جنگ بود و خیلی از بچه‌های دیگر مثل حمیدرضا در چنین محافلی عزم حضور در جبهه‌ها را در خود تقویت کرد.

محفل قرآنی مسجد جزایری بعدها آنقدر پردامنه شد که اعضای آن برای ارزیابی مهارت‌های کسب شده قرآنی‌شان مسابقاتی را در مسجد توحید برگزار می‌کردند، این مسابقات که عاملی در جهت محک آموخته‌های قرآنی بچه‌های محفل به شمار می‌رفت به خاطر ذوق و شوق قرآن‌آموزان جوان و نوجوان، با شور و هیجان خاصی نیز برگزار می‌شدند.

> آتش دشمن همه را زمینگیر کرده بود و کمی بعد سربازان دشمن با تانک‌هایشان بالای سرمان رسیدند. من و مرتضی بابکی‌نژاد به اسارت درآمدیم. در حالی که حمیدرضا معظم همرزمم، دوست دوران کودکی و کسی که خاطرات بسیاری با هم داشتیم، ساکت و بدون حرکت در گوشه‌ای از خاکریز افتاده و به شهادت رسیده بود

توالی حوادث برای محفل قرآنی مسجد جزایری در سال پایانی جنگ رنگی سرخ به خود گرفت و چهار نفر از هسته اولیه این محفل یعنی شهید حمیدرضا معظم، شهید نیرنجی، مصطفی محمدی و مرتضی بابکی‌نژاد، به شهادت رسیده یا اسیر شدند، اما محفل قرآنی که یادگاری بزرگمردانی چون حمیدرضا معظم و شهید محمد مهدی نیرنجی بود، به مسیر نورانی خود ادامه داد و هم اکنون قاریان و اساتید قرآنی بسیاری از آن به جامعه معرفی شده‌اند که برادران فردی (حسین و جعفر) از جمله آنها هستند.

■ ابوالقاسم؛ اولین شهید معظمی‌ها

ابوالقاسم دومین فرزند پسر خانواده معظمی‌ها بود که نقشی محوری در میان برادران و همچنین جوانان محله داشت. او انقلابی پای کاری به شمار می‌رفت که از بدو پیروزی انقلاب در حفظ و حراست از نظام نوپای اسلامی همت گماشت و با شروع جنگ تحمیلی به جبهه‌های جنگ شتافت.

ابوالقاسم که الگویی برای برادرش حمیدرضا به شمار می‌رفت، سال ۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی به شهادت رسید. با رفتن او خانواده معظمی‌ها خلأ عمیقی را احساس می‌کردند که باعث می‌شد والدین حمیدرضا از حضور او در جبهه‌های جنگ ممانعت کنند. خصوصا آنکه کوچک‌ترین پسر این خانواده یعنی حمیدرضا از جثه کوچک و ضعیفی هم برخوردار بود و این امر مزیدی بر علت می‌شد.

اما حمیدرضا معظم، طلبه خوش آتیه‌ای که فراگیری کلام الهی در کنار تحصیل دروس حوزوی روحش را حسابی صیقل داده بود، همواره مترصد فرصتی بود تا به جمع رزمندگان پر بکشد و خود را به جبهه‌های جنگ برساند. این اتفاق در سال ۶۷ رخ داد و در حالی که زمزمه‌های پذیرش قطعنامه و اتمام جنگ می‌رفت تا معبر شهادت را تنگ و تنگ‌تر کند، حمیدرضا رهسپار جبهه‌های جنگ شد.

■ شهادت پس از اتمام جنگ

تاریخ دفاع مقدس روزهای پرالتهابی را در خود به ثبت رسانده که طی آن پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط کشورمان، ارتش بعث هجومی سراسری را به مرزهای کشورمان خصوصاً در استان خوزستان انجام داد. در این زمان سه تن از اعضای مرکزی هیئت قرآنی مسجد جزایری یعنی سید حمیدرضا معظم، مصطفی محمدی و مرتضی بابکی‌نژاد ذیل گردان امام حسن مجتبی(ع) از لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) در منطقه کوشک حضور داشتند.

مصطفی محمدی همرزم و دوست شهید در بیان ماجرای روز ۶۷/۵/۱ می‌گوید: دشمن با نفرات و تانک‌های بسیاری به موضع ما حمله کرده بود. شرایط به گونه‌ای بود که خاکریز ما از دو طرف در دید و تیررس دشمن قرار داشت و بچه‌ها با تقسیم شدن به دو گروه، پشت به پشت هم با دشمن روبه‌رویی مقابله می‌کردند. اما بعثی‌ها هم از نظر نفرات، تجهیزات و موقعیت بر ما برتری داشتند. به گونه‌ای که هر لحظه امکان شهادت و جانبازی یکی از همرزمانمان می‌رفت. کار به جایی رسید که دیگر امکان مقاومت نبود. آتش دشمن همه را زمینگیر کرده بود و کمی بعد سربازان دشمن با تانک‌هایشان بالای سرمان رسیدند. من و مرتضی بابکی‌نژاد به اسارت درآمدیم. در حالی که حمیدرضا معظم همرزمم، دوست دوران کودکی و کسی که خاطرات بسیاری با هم داشتیم، ساکت و بدون حرکت در گوشه‌ای از خاکریز افتاده و به شهادت رسیده بود. سربازان دشمن حتی اجازه ندادند که بالای سر او برویم. ما را به سمت عمق خاک عراق بردند و حمیدرضا همان‌طور در خاک وطن آرمیده بود.

یادداشت

جایگاه درخشان دفاع مقدس در فرهنگ شهادت‌طلبی

■ علیرضا محمدی

برای فرهنگ شهادت باید پیشینه‌ای به قدمت تاریخ انبیای الهی تصور کرد. همان زمان که پیروان راستین انبیا در برابر کفر و ظلم ایستادگی می‌کردند و خونشان در مسیر حق و حقیقت می‌ریخت، گونه‌ای از شهادت‌طلبی را به نمایش می‌گذاشت که در گذر زمان انگیزه‌های درونی حرکت‌های خونینشان به تعریف و تفسیر کشیده شد و با تبیین فرهنگ شهادت‌طلبی، تاریخ بشریت در کنار تمامی سیاهی و پستی‌ها و بلندی‌هایش، صاحب نگاهی والاتر به مقوله زندگی و مرگ و حیات شود. نگاهی که در آن مرگ در راه خدا حیاتی ابدی محسوب می‌شد و کشته شدن و شکست‌های مادی به پیروزی و ظفری جاودان تفسیر می‌شد.

اما ظهور پیامبر اسلام(ص) که با تشکیل یک حکومت سیاسی از همان ابتدا مورد کینه‌جویی دشمنان و کفار قرار گرفت و تحمیل جنگ‌های متعددی به مسلمین را باعث شد، واژه «جهاد» و متعاقباً «شهید» و «شهادت» را خیلی زود در میان پیروان این دین نوظهور تبیین کرد. این امر درحالی بود که نزول آیه‌هایی در تمجید مجاهدان و شهدا در «قرآن» به عنوان کتاب مقدس مسلمانان، گونه‌ای خاص از سعادت اخروی را نوید می‌داد که مختص گروه شهدا بود: شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند(عند ربهم یرزقون).

بنابراین مسلمانان از صدر اسلام با فرهنگ شهادت‌طلبی آشنا شده و انس گرفتند. کما اینکه احادیث و روایاتی که از پیامبر و ائمه اطهار در تعریف شهادت‌طلبی و مقام شامخ شهدا بیان می‌شد در کنار شیوه عملی زندگانی این اولیای الهی مهر تأییدی بر تعقیب خط سرخ شهادت بود. چنانچه تمامی ائمه به غیر از حضرت صاحب‌الزمان(عج) به شهادت رسیده‌اند.

اما در سال ۶۱ هجری اتفاقی افتاد که رنگ و بوی تازه‌ای به فرهنگ شهادت طلبی بخشید. کیفیت شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) و یارانش در محشر عاشورا چنان غنایی به واژه «شهید» داد که پس از گذشت قرن‌ها از آن واقعه تاریخی، همچنان عاشورا و حماسه سیدالشهدا(ع) و اصحابش تبدیل به الگویی تمام‌ناشدنی برای تمامی شهادت‌طلبان تاریخ شده است.

پس از حماسه عاشورا بود که فرهنگ شهادت با مداحی‌ها، مقتل‌نویسی‌ها، روضه‌خوانی‌ها و حتی شبیه‌خوانی‌ها پربارتر شد و تعریف جامعی از شهید و مقام شهادت در بین مسلمانان و حتی بشریت شکل گرفت. اما با گذشت چندین قرن از این واقعه تاریخی، گویی اتفاقی لازم بود تا علاوه بر تجدید واقعه عاشورا در حافظه فراموشکار تاریخ، شیعیانی که چندین قرن متوالی با حماسه عاشورا خو گرفته و فرهنگ شهادت‌طلبی را در میان خود نسل به نسل منتقل کرده بودند، فرصت پس دادن امتحان خود را داشته باشند.

این فرصت تاریخی با پیروزی انقلاب اسلامی که خود را تجدیدکننده اسلام ناب محمدی معرفی می‌کرد، رخ داد. کمتر از دو سال بعد با حمله رژیم لائیک بعثی به سردمداری استکبار جهانی به کشورمان، دوباره خط اسلام و کفر برابر هم صف‌آرایی کردند و عاشورای ۶۱ هجری احیا شد. این‌بار کسانی پای در میادین نبرد می‌گذاشتند که عمری در روضه‌خوانی‌های سرور و سالار شهیدان به سر و سینه زده بودند و هر حرکت و قدمشان را به نام و یاد حسین زهرا منور می‌ساختند. هر قطره خون این رزمندگان که شناختشان جز با دانستن داستان عاشورا میسر نمی‌شد، برگی بر دیباچه فرهنگ شهادت می‌افزود و با منش و رفتاری که بروز می‌دادند، هر حرکتشان دیباچه تاریخ خونبار عاشورا را پربارتر می‌ساخت.

بنابراین در بررسی فرهنگ شهادت‌طلبی در تاریخ بشریت، دفاع مقدس در جایگاه شایسته‌ای قرار دارد که با جانفشانی‌ها، وقایع و انگیزه‌های عقیدتی که بازیگران دخیل در آن برای حضوری آگاهانه در مشهد خود داشتند، گنجینه‌ای فکری و عقیدتی را برای وجدان‌های مشتاق بشری از خود به یادگار گذاشته است.

وقتی مقام معظم رهبری می‌فرمایند: دفاع مقدس گنجینه‌ای تمام‌نشدنی است، اشاره‌ای به همین داشته‌های معنوی و فکری آن دارد که باید برای ارتزاق به وجدان بشری از چشمه پربار دفاع مقدس کوشید و این واقعه را برای تاریخ نیز به یادگار گذاشت. تاریخی که نیازمند عاشوراهاست تا خود را شایسته قدوم منجی کند.

قاب ماندگار

شهدا شاهد بر باطن و حقیقت عالمند و هم آنانند که به دیگران حیات می‌بخشند.
شهید سید مرتضی آوینی

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۴۵۳

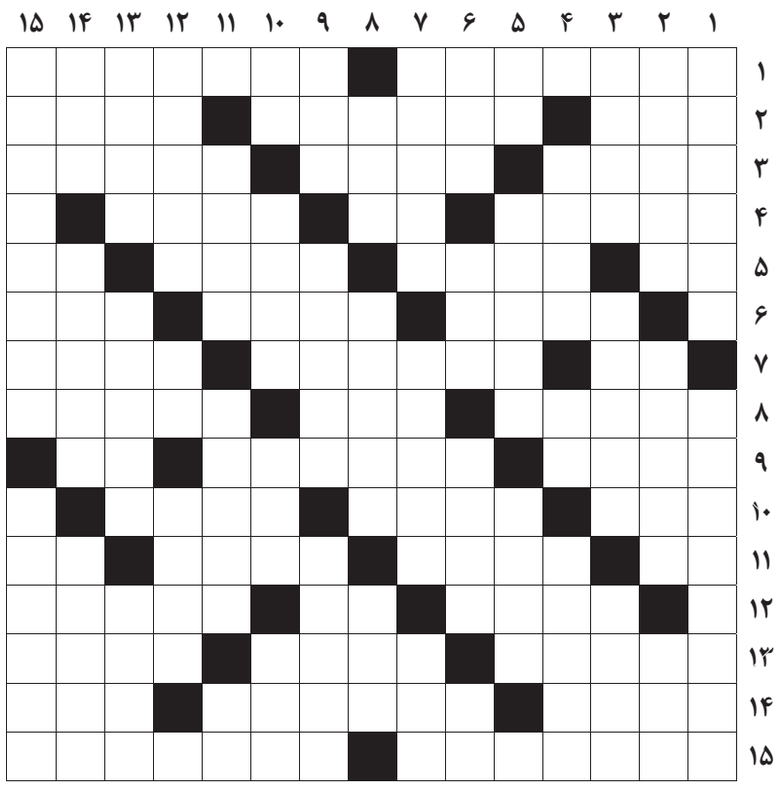

از راست به چپ

■ ۱- پادزهر- از آلات نجومی قدیم ■ ۲- قیم- حمله ناگهانی- نوعی جلد کتاب ■ ۳- از لوازم آرایش بانوان- ابزار- سوره صد و هفتم قرآن کریم ■ ۴- خلوت گزیده را به ... چه حاجتست- نو و باز نشده- رنگ پوست بدن ■ ۵- نفس سوزناک- نوعی پارچه- عبادت و نیایش- ابر غلیظ ■ ۶- رأی و حکمی که درباره مسئله یا امری صادر شود- شیرینی تبریز- خانه ■ ۷- آخرین نت- منفی- از هفت‌سین‌ها ■ ۸- بازرگانی و سوداگری- واحد شمارش گردو- شهری در استان کردستان ■ ۹- نویسنده فرانسوی طاعون- سرمربی هلندی سابق پرسپولیس- ضمیر اشاره ■ ۱۰- قصد و آهنگ- کیف؛ زین‌ساز- سهمناک ■ ۱۱- گشوده- آشکار شدن- به هم ریخته لولو- بنابر این ■ ۱۲- بدل از وضو- میوه خوب- پیامبری ■ ۱۳- اشیایی که جریان الکتریسیته به راحتی از آنها عبور می‌کند- زمین‌دار بزرگ- دوری یاران ■ ۱۴- دیکته- عنوان احترام‌آمیز برای افسران از سرهنگ به بالا- آینده ■ ۱۵- تشکیل لخته خون در عروق- اسکی مارپیچ

از بالا به پایین

■ ۱- آباژور فرهنگستان- فن سالار ■ ۲- مهمانی عروسی- سرشت‌ها و خوی‌ها- افسانه ■ ۳- از اسامی بانوان- روز رستاخیز- یکی از بخش‌های ورزش ووشو ■ ۴- از تقسیمات نظامی- سطح- نوعی برنج مرغوب ■ ۵- غذای سنتی- از دبیران کل سابق سازمان ملل- رهاورد زمستان ■ ۶- سود حرام- از آلات موسیقی- آرام خودمانی- ضمیر مخاطب ■ ۷- آواره و سرگردان- تقسیم ملک مشاع و تقسیم بین شرکا- کنار نیمکت ■ ۸- از عناصر چهارگانه- نتیجه‌ای چند- نوعی قایق ■ ۹- ماه فوتبالی- آخور- شهر مقدس بوداییان ■ ۱۰- آب بند- کارد- شهر آرزو- جعبه حروف چاپی ■ ۱۱- چراگاه- یکی از ده فیلم برگزیده تاریخ سینما- فرمان اتومبیل ■ ۱۲- شجاعت- عدد دو رقمی- پیامبر زیباروی ■ ۱۳- گروهی از مردم- جانوری کوچک‌تر از گربه- دریاچه خشک شده آسیای مرکزی ■ ۱۴- نام حوا در فرهنگ زبان انگلیسی- جانور دریایی جزیره‌ساز- از فلزات ساختگی ■ ۱۵- دارای روحیه دعوا و کتک‌کاری- سرراست

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۸	۴	۳					
						۲		۳
۳			۷	۹	۵			
۶	۲	۷						
						۳		۱
				۸	۷			
۴						۵	۲	
			۱	۵		۸		
		۶		۷				

جدول کلمات متقاطع
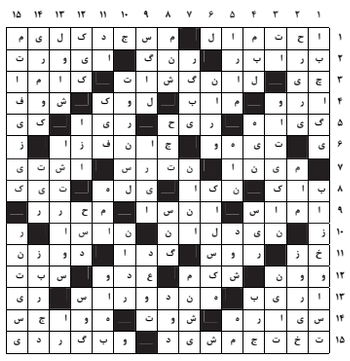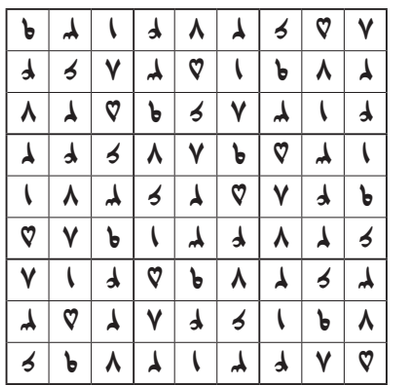
پاسخ جدول شماره ۴۴۵۲